

اسوانته کورنل - رجین اسپکتور^۲

مقدمه

توجه محافل بین‌المللی در سالهای اخیر متمرکز بر حجم در حال افزایش نزاع‌ها و درگیری‌های اسلامی در منطقه است. به‌طور مشخص، حملاتی که از طرف جنبش اسلامی ازبکستان^۳ در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ صورت گرفت آسیای مرکزی را در نقشه بین‌المللی از جمله نقاط مسأله‌دار معرفی نمود. پس از ۱۱ سپتامبر، منطقه آسیای مرکزی بازهم بیشتر توجه محافل بین‌المللی را به خود جلب نمود به‌طوری که سربازان نیروی زمینی ایالات متحده، به‌منظور تغییر توازن قوا در منطقه در پایگاه‌هایی در ازبکستان مستقر شدند. درگیر شدن ایالات متحده قبلاً محدود بود چرا که یک اجماع عمومی در واشنگتن دی.سی. مبنی بر اینکه منافع حیاتی ایالات متحده در آسیای مرکزی نیست وجود داشت. اما پس از وقایع ۱۱ سپتامبر این ارزیابی تغییر نمود، تمامی منطقه در حول و حوش افغانستان فوراً اهمیت استراتژیک فوق‌العاده کسب کرده و کشورهای آسیای مرکزی و به‌طور ویژه ازبکستان جزو متحدان ایالات متحده در مبارزه جهانی علیه تروریسم درآمدند.

آشفته‌گی اخیر در منطقه اغلب تحت عنوان مبارزات گروه‌های اسلامی مطرح شده است به نحوی که این گروه‌ها دارای نفوذ و اعتبار در حال افزایش در بین توده

۱. Marco Polo Islamic Militancy in Central Asia: Defining the Threat, این متن از مجله

شماره ۶، سال ۲۰۰۱، از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

2. Svante E. Cornell, Regine A. Spector

3. The Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

مردم بوده و در مسیر فراگیری منطقه و تأسیس رژیم‌های اسلامی در منطقه آسیای مرکزی می‌باشند؛ در حالی که مسأله بسیار از این امر پیچیده‌تر است. اعضای گروه‌های تندرو کم هستند و حمایت عمومی از گروه‌های اسلامی به‌طور کلی در سطحی نازل می‌باشد. تنها حزب قانونی اسلامی در منطقه در تاجیکستان در انتخابات سال ۲۰۰۰ کمتر از پنج درصد آرا را به‌دست آورد. جنبش اسلامی ازبکستان شامل چند هزار نفر پیرو می‌باشد. بسیار شبیه پاکستان، گروهی از افراطیون توجه عمده مراکز تصمیم‌گیری و وسایل ارتباط جمعی را به خود جلب می‌کنند و نیز ترس از یک حمله توأم با قتل و خونریزی که سراسر منطقه را فراگیرد را تحریک و تقویت می‌نمایند. به لحاظ اینکه ایالات متحده و هم‌پیمانانش در مسایل آسیای مرکزی بیشتر و در بلندمدت درگیر می‌شوند مهم خواهد بود تا تفاوت‌های موجود بین گروه‌های اسلامی مختلف مشخص و معین گردند. در واقع، تعریف تهدید موجود از طرف این گروه‌ها می‌تواند از بروز رویدادهای ناگوار آینده در منطقه جلوگیری نماید.

جنبش اسلامی ازبکستان

طی دهه ۱۹۹۰، نخبگان آسیای مرکزی خود را به عنوان افراد مشتاق و غیور در حال نزاع با آنچه که آنها به عنوان یک تهاجم از طرف بیگانه تعبیر می‌کردند نشان دادند، بعضی از نخبگان، نیروهای تندرو و رادیکال سیاسی که نمونه‌شان رژیم طالبان در افغانستان بود را الگو قرار دادند. این نیروها معمولاً یکجا تحت عنوان «وهابی» نامیده می‌شدند که منسوب به یک شکل از اسلام عملی در شکل مدرن آن در عربستان سعودی در یک قرن گذشته می‌باشد. نفوذ سعودی با شکل دیوباندی^۱ از اسلام ترکیب شد، شکلی از اسلام که مدارس مذهبی پاکستانی بسیاری از رهبران طالبان و نیز شماری از افراد ملیت‌های آسیای مرکزی را آموزش داده و تربیت نمودند.

مشهورترین گروه مذهبی آسیای مرکزی که زبانزد خاص و عام است جنبش اسلامی ازبکستان است. به واسطهٔ عملیات نظامی در قرقیزستان و ازبکستان در تابستان ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، جنبش اسلامی ازبکستان خود را به عنوان یک تهدید نظامی جدی برای حاکمیت دولت‌های آسیای مرکزی مطرح نمود. به لحاظ شهرت جهانی از جهت افراط‌گرایی، جنبش اسلامی ازبکستان در فهرست سازمان‌های تروریستی نشر شده از طرف وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفت و حساسیت نسبت به اشراف بر فعالیت‌های این گروه را افزایش داد. عملیات نظامی جنبش اسلامی ازبکستان در درهٔ فرغانه در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ منطقه را دچار آشفتگی نمود. به استثنای ازبکستان، دولت‌های منطقه در تأمین نیروهای دفاعی کوتاهی کرده بودند؛ چهار جمهوری آسیای مرکزی به‌ویژه قرقیزستان قادر نبودند به حملات به‌طور مؤثر پاسخگو باشند.

بنابر اطلاعات موثق که شدیداً از طرف رهبران طالبان تکذیب شد، جنبش اسلامی ازبکستان پایگاه‌هایی در مناطقی در شمال افغانستان که تحت کنترل طالبان بود در اختیار داشت. به علاوه، جنبش اسلامی ازبکستان ارتباط‌هایی با شبکهٔ القاعده به رهبری اسامه بن لادن داشته است، یک دلیل اصلی برای آنکه جنبش اسلامی ازبکستان در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت. بنابراین، چندین نکتهٔ اساسی که بر مبنای آن تهدیدهای امنیتی از جانب جنبش اسلامی ازبکستان متوجه آسیای مرکزی بود پایهٔ خود را از دست داده است. در واقع، جنبش اسلامی ازبکستان پدیده‌ای نیست که تنها در خارج از منطقه (افغانستان) ریشه داشته باشد چنانچه حاکمیت‌های منطقه‌ای نیز آن را تصویر می‌کنند.

حملات جنبش اسلامی ازبکستان به قرقیزستان و ازبکستان هر دو از خاک جمهوری تاجیکستان نه افغانستان انجام گرفت. با در نظر گرفتن اینکه جنبش اسلامی ازبکستان بدون شک از خاک افغانستان برای اهداف آموزشی استفاده کرده است بارها مرز افغانستان - تاجیکستان به رغم حضور بیش از ۱۲۰۰۰ سرباز روسی در این مرز در ابعاد وسیع به سهولت قطع شده است.

پیوندهای جنبش اسلامی ازبکستان با تاجیکستان ریشه در جنگ داخلی که این کشور را در فاصله سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۲ ویران نمود دارد؛ رهبری فعلی جنبش اسلامی ازبکستان در حمایت از جناح اسلامی تاجیک جنگید. از هنگامی که اپوزیسیون اسلامی تاجیک نقشی را در قرارداد صلح ۱۹۹۷ به دست آورد جنبش اسلامی ازبکستان بر خوردهایی در بالاترین سطوح قدرت در تاجیکستان دارد. به علاوه، ضعف حکومت تاجیکستان این کشور را در کنترل کامل سرزمینش ناتوان می‌سازد و جنبش اسلامی ازبکستان را قادر می‌سازد تا با آزادی نسبی بیشتر به واسطه عجز حکومت مرکزی به عملیات خود ادامه دهد.

همچنین، دلیلی برای سؤال در مورد اصول عقاید مربوط به انجام عملیات نظامی و حملات تروریستی جنبش اسلامی ازبکستان وجود دارد. در حالی که هدف اصلی هم در سال ۱۹۹۹ و هم در سال ۲۰۰۰ سرنگونی رژیم ازبک و برپایی رژیم اسلامی بود، حجم کم حملات، با کمتر از هزار مبارز شرکت کننده نشان می‌دهد که حتی رهبری جنبش اسلامی ازبکستان امیدوار نبود که ازبکستان را با چنان نیروی کمی تسخیر نماید به ویژه آنکه نیروهای نظامی ازبکستان به طور نسبی از مهارت حرفه‌ای قابل تأیید برخوردارند.

از این رو وقتی که حملات چالشی جدید برای حاکمیت ازبکستان و قرقیزستان مطرح نمودند آن حملات حاکی از یک تهدید جدی برای بقای حکومت‌های جمهوری‌های آسیای مرکزی نبودند. در واقع، حملات باعث شدند تا نیاز به اختصاص منابع مالی بیشتر به بخش نظامی عملی گردد و قرقیزستان در دو سال گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در ارتقای تجهیزات و نیروهای نظامی خود داشته است.

در حالی که حملات نمی‌توانند رژیم‌های آسیای مرکزی را سرنگون نمایند پس اصول و دلایل ارتکاب به چنین اعمالی چه می‌باشند؟ دلیلی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه هدف ویژه عملیات نظامی جنبش اسلامی ازبکستان ایجاد بی‌ثباتی و آشفتگی و ضعف حکومت‌های منطقه است تا در نتیجه حمل و نقل مواد مخدر از افغانستان به آسیای مرکزی تسهیل گردد. با تولید تریاک در افغانستان که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به طور سرسام‌آور افزایش یافت و

کوشش‌های نسبتاً موفقیت‌آمیز ایران برای کنترل حمل و نقل مواد مخدر، دولت‌های ضعیف آسیای مرکزی آماده‌ارائه خدمت به عنوان مسیرهای اصلی حمل‌ونقل مواد مخدر برای بازارهای روسیه و کشورهای اروپایی مطرح می‌گردند.

گزارش‌های دقیق و معتبر نشان می‌دهند که جنبش اسلامی ازبکستان به‌طور کامل درگیر حمل و نقل مواد مخدر از افغانستان به آسیای مرکزی و سپس به اروپا می‌باشد؛ همچنین، این جنبش در واردات بیش از ۲۰۰۰ تن مواد مخدر به قرقیزستان مشارکت کامل دارد. دخالت گروه‌های افراطی در حمل و نقل مواد مخدر به لحاظ سودهای کلان مالی آن امری عادی است؛ دلایلی برای این ادعا هست که جنبش اسلامی ازبکستان سازمانی با ماهیت ذاتاً جنایی می‌باشد. این جنبش به‌طور موازی دو نقش دارد؛ در نقش دیگر که ممکن است اولویت داشته باشد هدف ایجاد «شعله انقلاب» می‌باشد.

جالب توجه آنکه در سال ۱۹۹۹، حمله به قرقیزستان پس از آنکه حکومت قرقیز به‌طور بالنسبه موفقیت‌آمیز کنترل بارگیری و باراندازی و تجارت در بزرگراه از خوروق^۱ در تاجیکستان به اوش در قرقیزستان را در دست‌گرفت انجام‌گشت (یکی از اصلی‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل طی دهه ۱۹۹۰). در هنگام حمله سال ۱۹۹۹ در حمل و نقل مواد مخدر افزایش به میزان سه برابر دیده شد. به‌واسطه مشارکت فعال عناصر دولتی روسیه و تاجیک در حمل و نقل مواد مخدر، موقعیت بدتر شده است؛ کسانی که اغلب به‌طور شفاهی تجارت قاچاق مواد مخدر را سرزنش می‌نمایند. در مه ۲۰۰۱، یک افسر اطلاعاتی نظامی روسیه سابق برای اولین بار آنچه که تمامی ناظران می‌دانستند را تأیید کرد: افرادی از نیروی نظامی روسیه و کارکنان حکومتی تاجیکستان در تجارت مواد مخدر از افغانستان هم‌دست هستند.

کامیون‌های روسی، هواپیماها و هلی‌کوپترهایی که سلاح و تجهیزات برای ائتلاف شمال در افغانستان (علیه طالبان) تهیه می‌کردند به‌طور آشکار خالی باز نمی‌گشتند - بعضی از این

1. Khorog

وسایل، مواد مخدر به تاجیکستان حمل و نقل می‌کردند و محموله‌ها بدون برخورد با مشکلی به مقاصد و بازارهای روسیه می‌رسید.

پیوندهای موجود بین عوامل نیروی نظامی روسیه در تاجیکستان، عوامل حکومتی تاجیک و جنبش اسلامی ازبکستان اکنون فقط موضوعی برای اندیشیدن می‌باشد. در مورد ماهیت شخصیت جنبش اسلامی ازبکستان به عنوان یک تهدید اسلامی انقلابی برای آسیای مرکزی بسیار مبالغه شده است. جنبش اسلامی ازبکستان تهدیدی برای منطقه است؛ اما مقام برتر را در سازماندهی جنایت و اعمال تروریستی دارد. بنابراین، باطل نمودن طلسم و افسانه خیرخواهی مذهبی جنبش اسلامی ازبکستان بدان معنی نیست که اسلام سیاسی در آسیای مرکزی یک عامل محسوب نمی‌گردد. در واقع، تمرکز بر جنبش اسلامی ازبکستان تاکنون این جنبش را به عنوان یک جنبش مهم در مقابل دید مردم مطرح نموده است.

حزب التحریر^۱

در دو سال گذشته، یک سازمان مخفی تأسیس شده در سال ۱۹۵۲ در خاورمیانه یعنی حزب التحریر به سرعت در آسیای مرکزی رشد کرد. حزب التحریر با جنبش اسلامی ازبکستان مشترکاً دارای یک هدف اصلی هستند: اتحاد مسلمانان به رهبری یک خلیفه، و به واسطه آن باید مسلمانان به سیره اسلام راستین اولیه بازگردند. این جنبش در لندن با آدرس اینترنتی فعال است. آدرس اینترنتی آن در لندن حاکی از فعالیت مرحله به مرحله این جنبش است که با فعالیت اطلاع‌رسانی عمومی آغاز و با بنیان‌گذاری حکومت اسلامی پایان می‌یابد که مجری اسلام در سطحی وسیع و فراگیر بوده و حامل پیام اسلام به سراسر جهان می‌باشد.

اگرچه شمار کمی از مردم حزب التحریر را از سه سال قبل شناختند ولی این حزب خود را به عنوان نیروی اپوزیسیون اصلی در مقابل حکومت‌های آسیای مرکزی به ویژه ازبکستان و

1. The Hizb-Ut- Tahrir

بخش‌هایی از قرقیزستان و تاجیکستان مطرح می‌نماید. تبعید یا زندان نمودن دیگر نیروهای اپوزیسیون منجر به مطرح شدن بیشتر حزب‌التحریر به عنوان یک مکانیسم مخالفت گردیده است. به نظر نمی‌رسد سرکوب‌های شدید حزب‌التحریر در امسال اعضای این حزب را ترسانده باشد. آمار افراد دستگیر شده وابسته به حزب‌التحریر فقط در ازبکستان به چندین ده‌هزار نفر بالغ می‌گردد.

بیشتر اعضای فعال حزب‌التحریر جوانان تحصیل‌کرده شهری می‌باشند و این اعضا در نشر پیامشان در مناطق شهری بین اقشار فقیر جامعه کوشا می‌باشند؛ همچنین، در مدارس از طریق توزیع نشریات و جزوات تبلیغ می‌نمایند.

اعضای حزب‌التحریر به گروه‌های گوناگون و هر گروه شامل شش نفر تقسیم می‌شوند؛ هر یک از گروه‌ها واحدهایی را شکل می‌دهند که اغلب با یکدیگر هیچ تماسی ندارند. حزب‌التحریر به‌ویژه برای ازبک‌های از حق رأی محروم شده در قرقیزستان شمالی جذاب بوده است و نیز بین ازبک‌ها و تاجیک‌ها طرفدار دارد. ازبک‌ها و تاجیک‌هایی که خود را شهروند درجه دو می‌پندارند و از طرف حکومت‌ها تحت فشارند جذب حزب‌التحریر می‌گردند. حزب‌التحریر عملیات را مخفیانه رهبری می‌کند چرا که خشونت جنبش اسلامی ازبکستان وجهه این جنبش را در نظر افکار عمومی بی‌اعتبار می‌نماید. در آینده دو موضوع در درجه اول اهمیت برای بررسی می‌باشند: یکی چگونگی رابطه و بسط آن بین حزب‌التحریر و دیگر سازمان‌ها و دیگر اینکه آیا حزب‌التحریر به لحاظ ایدئولوژیک به بخش‌های گوناگون تقسیم می‌گردد یا خیر. بنابه گزارش‌ها، حزب‌التحریر از کشورهای خاورمیانه کمک مالی دریافت می‌کند. در حالی که دقیقاً مشخص نیست که چرا بسیاری از مردم طرفدار این جنبش در منطقه هستند واضح است مادام که ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه بسیار ضعیف می‌باشند افزایش شمار افراد هوادار ادامه خواهد داشت.

نتیجه گیری

لازم است میان گروه‌های جنایی که از عنوان افراط‌گرایی مذهبی به عنوان پوشش برای فعالیت‌های خود که بیشتر جنبه تجاری دارد استفاده می‌کنند و جنبش‌هایی که انگیزه‌های آنان بیشتر ایدئولوژیک است تمایز قایل شد. جنبش اسلامی ازبکستان یا حداقل بخش‌هایی از آن و فرماندهان نظامی اپوزیسیون تاجیک نمونه‌هایی از فرم اول می‌باشند در حالی که حزب‌التحریر بیشتر نماینده تپ دوم می‌باشد. این گروه‌های گوناگون تهدیدهای متفاوتی اشاعه می‌دهند و همچنین راهکارهای مختلفی را مطرح می‌کنند. به واقع، تلاش برای مصالحه و آشتی با سازمان‌های جنایی که با تروریسم بین‌المللی پیوند خورده‌اند بیهوده می‌باشد؛ کسانی که منافعشان آنقدر زیاد اقتصادی است که سیاسی نیز هست. آیا بیشتر جنبش‌های ایدئولوژیک در جهت سیاست‌های مشترک ائتلاف می‌کنند سؤال مطرحی است که جواب آن معطوف به این است که جمهوری‌های آسیای مرکزی چه نوع سیاست‌هایی اتخاذ می‌کنند.

سرکوب هرگونه اختلاف سلیقه به‌ویژه سرکوب اپوزیسیون اسلامی در آسیای مرکزی موضوعات را پیچیده‌تر و نیروهای معتدل را منحرف‌تر ساخته است. هنوز وجود خشونت و حرکت‌های خرابکارانه جز بر مبنای هوی و هوس و خیال‌های رهبری صورت نمی‌گیرد. گروه‌های رادیکال اسلامی که برای حکومت‌های ضعیف تهدید محسوب می‌شوند در منطقه دیده می‌شوند؛ همچنین، گروه‌های با آمال و آرزوهای سیاسی معتدل نیز هستند. مسأله‌ای که اغلب دشواری تشخیص دشمن و رقیب را مشکل می‌سازد.

نخبگان منطقه‌ای در اتحادشوروی کمونیستی به واسطه عدم تشخیص صحیح مسایل به‌طور روزافزونی شاهد فعالیت گروه‌های اسلامی بیرون از کنترل دولت و بازنگری به تهدیدها علیه امنیت دولتی می‌باشند و در نتیجه به سرویس‌های امنیتی که این «تهدید اسلامی» را نابود می‌کنند تکیه می‌نمایند. در حال حاضر، اختلافات جزئی و فرقه‌ها بین اپوزیسیون اسلامی هم در منطقه و هم در غرب بهتر قابل درک هستند و احتمالاً وضعیت تغییر چندانی نمی‌نماید.